

وقتی یک خبرنگار کتاب با بنگاهی ها کل می کند

# تغییر کاربری



عاطفه جعفری

قفسه کتاب

قرار بود گزارشی میدانی از کتابفروشی های خیابان انقلاب و وضعیت شان داشته باشم. روزهای اول کارم بود، به خیابان انقلاب رسیدم و اولین کتابفروشی در میدان را انتخاب کردم و وارد شدم. دو نفر مشغول فروش کتاب بودند. چند نفری هم در حال صحبت. نگاهی به کتاب ها انداختم تا کمی خلوت شود و بتوانم سؤالاتم را بپرسم. در این بین صدای چند نفری را می شنیدم که درباره فروش مغازه با هم صحبت می کردند و در لابه لای حرف های شان از قیمت می گفتند و این که به جای کتابفروشی یک ساندویچی باز کنند سودش بیشتر است. فردی که مشخص بود از املاک آمده بسیار اصرار داشت باید این مغازه تغییر کاربری بدهد و دیگر کسی کتاب نمی خرد. همین جور که صحبت می کرد نتوانستم

تحمل کنم و روبه ریش ایستادم و گفتم: «اگر شما کتاب نمی خوانی دلیل نمی شود که بقیه هم نخوانند.» با نگاه های خیره ای که داشتند فهمیدم تعجب کرده اند چرا وسط حرف شان پریده ام اما نگاه رضایت دو نفری را که کتاب می فروختند دیدم. صاحب کتابفروشی در جواب آن فرد گفت: «من هم با این خانم موافقم، با توجه به جایی که ما قرار داریم همیشه مشتری هست و فروش خوبی هم داریم.» آقای املاکی که تیرش به سنگ خورده بود نگاهی خصمانه به من انداخت و در جواب صاحب کتابفروشی گفت: «ای آقا! می دانی الان اگر کافه یا یک ساندویچی باز کنی، چقدر مشتری بیشتری داری. این تغییر کاربری و مشارکت با این آقا می تواند خیلی به نفعتان باشد و پول بیشتری به دست بیاورید.» متوجه شدم آن مردی که کنارش نشسته و تمام مدت سکوت کرده، همان کسی است که می خواهد



شنیدم: «اگر ذره ای هم تردید داشتم تغییر کاربری بدهم، با این حرف هایی که شما زدید پشیمان شدم. امروز بر سر دوراهی بودم اما انگار خدا شما را برایم فرستاد تا بتوانم اینجا را حفظ کنم.» خودم را معرفی کردم و بعد هم سوزهای را که داشتم گفتم و با هم صحبت کردیم. وقتی کارم تمام شد، کتابی را از قفسه کتاب های ادبیات برداشتم و چیزی را در کتاب نوشت و در نهایت خواست هر وقت گذرم به انقلاب افتاد حتما سری به آنجا بزنم. از کتابفروشی بیرون آمدم و کتاب را باز کردم و با خواندن متنش لیخندی روی صورتم آمد که نوشته بود: «برای خبرنگاری که در بزنگاه به داد کتاب هایمان رسید.»

شریک خرید کتابفروشی بشود، نگاهی به دورو برش انداخت و گفت: «من فقط سود برایم مهم است، برایم فرقی ندارد بعد از کتابفروشی اینجا چه چیزی قرار است بزنیم. فقط کتابفروشی نباشد!» آنقدر حرفش برایم سنگین بود که سریع در جوابش گفتم: «خب وقتی برای شما فرقی ندارد، یک مغازه خالی بخرو هر چه می خواهی بزن چرا اصرار داری یک کتابفروشی بخری؟!» لیخندسه کتابفروش برایم جالب بود در نهایت آن دو نفر با جواب منفی بیرون رفتند و همچنان نگاه خصمانه ام همراه شان بود که صدای پیرمرد کتابفروش را

بسیاری از کتابفروشی ها در سال های اخیر روبه تعطیلی رفته اند. بیایید آنها را دریابیم

## تعریض یا نقد

روزنامه جام جم مورخ هجدهم خرداد ۱۴۰۰ در بخش قفسه کتاب، مطلبی در مورد مجموعه کتاب فسقلی ها آورده که مصداق عینی تعریض و نه نقد است. نویسنده مطلب که جایگاه علمی ایشان مشخص نیست، به دو نکته تاکید داشته نخست بدآموزی اثر و دوم ارزان بودن کتاب در جهت فریب اذهان برای تسلط بیشتر به بازار اشاره کرده است. طبعاً عدم جوابگویی به این گونه حملات که بیشتر برآمده از غرض ورزی و نه عقلانیت است به این دلیل است که این گونه هتاک ها دامنه نگیرد و گرنه در مطلب درج شده در آن روزنامه نکته ای قابل پاسخگویی وجود ندارد. انتشارات قدیانی در حدود پنج دهه فعالیت خود و چاپ حدود ۴۰۰۰ عنوان کتاب که در ده ها میلیون نسخه در جای جای کشور و خانه های هموطنان راه یافته و بر ذهن و آگاهی و خیالپردازی دانسته های کودکان، نوجوانان و جوانان وطن عزیزمان تاثیرات شگرف تربیتی و آموزشی نهاده، ناشری حرفه ای است که انتخاب مداوم و مکرر آن از طرف نهادهای فرهنگی و تربیتی کشور به عنوان ناشر نمونه و برگزیده خودگواه کارنامه کاری درست، حرفه ای و مسؤو لانه است. این انتشارات با بهره گیری از بهترین کارشناسان حرفه ای، آموزشی و تربیتی در انتخاب هر اثری برای انتشار، وسواسی بیش از حد به خرج داده و مدت ها اثر واریسی و بررسی شده و پس از تایید نظر کارشناسان مربوط است که کتاب در چرخه آماده سازی برای انتشار قرار می گیرد. تایید بیش از ۲۰۰۰ عنوان از آثار منتشره این مؤسسه توسط کتابنامه رشد آموزش و پرورش گواه تلاش این مجموعه برای فراهم سازی آثار درخور برای کودکان و نوجوانان ایران زمین است. نویسنده محترم از بدآموزی این مجموعه بدون ارائه نمونه مشخصی یاد کرده است. اساس این قصه ها غلبه خیر بر شر و خوبی بر بدی است، که در این مجموعه منع از بدی ها درونمایه اصلی داستان است

که همزمان با داستان به شکل تصویری در داستان دیده می شود و در نتیجه پرهیز از خصوصیات افراطی به صورت غیرمستقیم به کودک آموزش داده می شود. از سوی دیگر حدود نیمی از این کتاب ها (۱۹ جلد) مورد تایید کتابنامه رشد آموزش و پرورش هستند و دو جلد آن در کتاب فارسی دوم دبستان به عنوان کتاب مناسب معرفی شده است و تعدادی از جلد های دیگر آن حدود ۲۵ سال قبل چاپ شده است که آن زمان مرکزی برای کارشناسی و ارزیابی کتاب کودک (دفتر انتشارات و فنآوری رشد) شکل نگرفته بود و گرنه آنها نیز مورد تایید قرار می گرفتند. حالا اگر این آموزه بد است و بدآموزی دارد، داوری را به کارشناسان و اهل نظر و امی گذاریم. اما نکته دیگری که نویسنده محترم بر آن تکیه کرده و آن را تلاش ناشر برای فریب اذهان خوانندگان کتاب دانسته ارزانی قیمت کتاب هاست.

در پی انتشار یادداشتی انتقادی درباره مجموعه کتاب فسقلی ها، روابط عمومی انتشارات قدیانی با ارسال جوابیه ای نسبت به مطلب مذکور واکنش نشان داد. «قفسه کتاب» با وجود این که از لحن و برخی عبارات تند این جوابیه گله مند است ولی در راستای رویکرد نقادانه خود آن را به طور کامل منتشر می کند و قضاوت را به عهده خوانندگان می گذارد.

این آموزه بد است و بدآموزی دارد، داوری را به کارشناسان و اهل نظر و امی گذاریم. اما نکته دیگری که نویسنده محترم بر آن تکیه کرده و آن را تلاش ناشر برای فریب اذهان خوانندگان کتاب دانسته ارزانی قیمت کتاب هاست.

تاکنون ندیده ایم کسی از ارزانی کتابی بنالد، همه ناله ها از گرانی به آسمان بلند است، اما در واقعیت ارزانی برای روشنی اذهان می گویم که انتشارات قدیانی گروه اصلی هدفش در نشر، کودکان و نوجوانان است. می دانیم خریدار آثار برای کودکان، پدران و مادرانی هستند که گاه باید چشم بر بسیاری اقلام در سبد خرید خود ببندند تا خواسته کودک خویش را برآورند پس تلاش ناشری که برای این گروه بزرگ کتاب چاپ می کند نه سودجویی صرف که رعایت حقوق مصرف کننده است. پس تا حد امکان گاه با چشم بستن بر چاپ رنگی، گاه کاغذ سهمیه ای، گاه خرید کلی کاغذ در آغاز سال که افزایش تدریجی قیمت در طول سال به ناشر فشار نیاورد و البته تیراژ بالای کتاب ها که تا حدی قیمت را پایین می آورد، در حد امکان می کوشد ضمن رعایت استانداردهای لازم در چاپ، کتاب را با بهایی ارزان تر به مخاطب ارائه دهد و یکی از راه های توفیق ناشر حرفه ای جلب اعتماد خواننده است که در تمام جهات چه انتخاب کتاب، موضوع، کیفیت چاپ و صحافی، به کار بردن مواد اولیه چاپ و بالاخره قیمت رعایت حال او شود بنابراین صرفاً جهت اطلاع مخاطبان روزنامه محترم جام جم این چند خط نوشته شد تا هرکسی با غرض و نیت خاص نکوشد تا دامن ناشری را که به شهادت کارنامه اش از بهترین و موفق ترین ناشران کنونی کشور است آلوده کند. روابط عمومی انتشارات قدیانی

گواهینامه اینجانب علی حسن پور  
 فرزند خسرو به کد ملی  
 ۱۲۷۱۴۸۸۳۴۵ مفقود گردیده و از  
 درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه بهره برداری به شماره ۱۰۰/۳۳۹۶۰  
 مورخ ۸۶/۳/۲۱ به نام شرکت تولیدی  
 ورق گالوانیزه سپید ارمنان صادره از  
 استان البرز مفقود گردیده است و از درجه  
 اعتبار ساقط اعلام می گردد.

کارت، کارتکس و برگ سبز دنا، مدل ۱۳۹۷، به  
 رنگ سفید، شماره انتظامی ایران ۳۳-۳۸۷۲۴  
 شماره موتور 147H0396841 شماره شاسی  
 NAAW01HE3JE079354 به نام مهدی کلاتری  
 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شماره تلفن های  
 پخش  
 ۴۹۱۰۵۰۰۰  
 ۲۳۰۰۴۰۳۲  
 امور آگهی های روزنامه جام جم